



# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال دوم تحصیلی ۹۴-۹۵  
رشته مطالعات زنان ورودی مهر ۹۳

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۱۴	مست: ۷۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حرف

کد آزمون:	۳۹۴۲/۰۸
تاریخ:	۱۳۹۵/۰۳/۱۰
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول - حلقه تالته «شهید صدر»
مجموعه:	جزء اول: ۱۶ درس: دروس ۵۸ تا ۶۳ (ص ۲۲۲-۲۹۵). درس ۶۵ (ص ۳۳۰-۳۲۷). دروس ۷۲ تا ۷۴ (ص ۳۷۴-۳۶۰) و دروس ۷۷ تا ۸۲ (ص ۴۱۷-۳۸۲)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد ملی: ..... مدرسه علی: ..... شهرتان: ..... استان: .....

۰/۵

۱- آیا «قدرت» شرط در مرحله ادانه است؟ چرا؟ ص ۲۹۹

- الف. لا - لان الأصل فی حق الطاعة الاحتیاط عقلاً
- ب. نعم - لعدم دخول غیر مقدر فی حق الطاعة
- ج. لا - لاستحالة جعل الحكم بغير مقدر مطلقاً
- د. نعم - لان القدرة دخيلة فی مبادئ الحكم

۰/۵

۲- اگر مولایی امر کند: «هنگام رؤیت هلال دعا بخوان» قید «رؤیت هلال» چگونه شرطی است؟ ص ۳۲۹

- الف. شرط ترتب غیر اختیاری
- ب. شرط ترتب اختیاری
- ج. شرط متعلق واجب
- د. شرط اتصاف

۰/۵

۳- بنابر قول «عدم اقتضای وجوب برای حرمت ضد خاصش» تنافی بین «وجوب نماز» و «وجوب ازاله نجاست از مسجد» بدلیل ضیق قدرت چگونه است؟ ص ۴۰۱

- الف. تنافی در مجعول
- ب. تنافی در امتثال
- ج. تنافی در ملاک
- د. تنافی در جعل

۰/۵

۴- چرا «مقدمه علمیه»، وجوب غیرى ندارد؟ ص ۳۶۸

- الف. لانها تتصف بالوجوب النفسى الضمنى
- ب. لانها لا يوجد الواجب النفسى الا بها
- ج. لانها لا يتوقف عليها نفس الواجب
- د. لانها متعلقة للامر ولو ضمناً

۰/۵

۵- چرا مجرد «تعدد عنوان» کاشف از «تعدد معنوی» نیست؟ ص ۳۸۷

- الف. لامکان انتزاع عنوانین من موجود واحد
- ب. لاكتفاء تعدد العنوان فی دفع التنافی
- ج. لان العنوانین فی الذهن مرآة للخارج
- د. لعدم امکان موجود واحد بالعنوانین

۰/۵

۶- استکشاف «ملازمه بین حکم عقل نظری و حکم شارع» چگونه استکشافی است؟ ص ۴۰۹

- الف. استکشاف شرعی
- ب. استکشاف عقلانی
- ج. استکشاف ائی
- د. استکشاف لمی

۰/۵

۷- عبارت «تعتبر القضايا العقلية الفعلية التركيبية كلها ادلة عقلية مستقلة، لعدم ... فترهن على نفى الحكم بلا توقف على شيء اصلاً...» را به همراه دلیل تبیین کرده، چگونه چنین قضایایی که در طریق استنباط «نفی حکم» هستند، را اصولی بدانیم؟ ص ۲۹۶ - ۲ نمره

۲

جواب:

همه قضایای عقلی فعلی ترکیبی که بحث از استحاله دارند مانند: «تکلیف بما لا یطاق مستحیل» از ادله عقلی مستقل محسوب می‌شوند زیرا برای استنباط حکم شرعی از آن نیاز به ضمیمه کردن مقدمه شرعی ندارد زیرا مفاد این ادله استحاله برخی احکام است که با این قضایا نفی حکم بدون توقف بر مقدمه‌ای دیگر اثبات می‌شود (۱/۵ نمره) زیرا نفی حکم مانند اثبات حکم از مواردی است، که استنباط آن نیاز به قواعد اصولی دارد. (۰/۵ نمره)

۸- چرا ضد باب تزاحم منطبق بر «ضد عام» نیست؟ به همراه مثال توضیح دهید. ص ۳۱۷ و ۳۱۸ - ۲ نمره

جواب: بر ضد عام یعنی نقیض منطبق نیست زیرا امر به نقیض مستحیل است که مقید به عدم اشتغال به نقیضش باشد زیرا عدم اشتغال به نقیض مساوی اشتغال به نقیضش می‌باشد و امر به آن تحصیل حاصل می‌شود که محال است. مثلاً امر به ازاله و امر به ترک ازاله به دلیل عجز مکلف از جمع بین نقیضین، نمی‌تواند از موارد تزاحم باشد زیرا امر به هر طرف [مثلاً ازاله] نمی‌تواند مقید به عدم اشتغال به طرف دیگر [ترک ازاله] باشد زیرا فرض عدم اشتغال به نقیض [عدم اشتغال به ترک ازاله] مساوی ثبوت طرف دیگر [ازاله] می‌باشد و امر در این حالت تحصیل حاصل است زیرا مأمور به [ازاله] حاصل بوده است.

۹- برهان در عبارت «ان الوجوب الغیری لو كان متعلقاً بالحصه الموصلة الى الواجب النفسی خاصة لزم ان یکون الواجب النفسی قیداً فی متعلق الوجوب الغیری و القید مقدمة للمقید، و هذا یؤدی الى ان یصبح الواجب النفسی مقدمة للواجب الغیری» را تبیین کرده، جواب شهید

صدر (ره) را بنویسید. ص ۳۷۲ - ۲ نمره

جواب: اگر متعلق وجوب غیری، حصه موصله به واجب نفسی باشد لازم می‌آید که واجب نفسی قید در متعلق وجوب غیری باشد و قید مقدمه مقید است پس در این حالت موجب می‌شود واجب نفسی مقدمه واجب غیری باشد [که مستلزم دور یا محاذیر دیگر است] جواب شهید صدر (ره): اگر چه وجوب غیری اختصاص به مقدمه موصله دارد اما به معنای اخذ واجب نفسی به عنوان قید در متعلق وجوب غیری نیست بلکه به این معنا است که متعلق وجوب غیری مقدماتی هستند که هنگامی که موجود شوند [بسان اجزاء علت تامه] وجود واجب نفسی بعد آن مضمون است یعنی محقق خواهد شد [مگر اینکه مانع خارج از اختیار مکلف موجود شود].

۱۰- چرا شهید صدر (ره) «عدم فعلیت نهی» را در اضطرار به سوء الاختیار، برای رفع «تنافی اجتماع امر و نهی» نافع نمی‌داند؟ دو دلیل بنویسید. ص ۳۸۹ - ۱ نمره

جواب: ۱. زیرا سقوط نهی به دلیل اضطرار به سوء اختیار که نوعی عصیان است فقط خطاب را ساقط می‌کند و مبادی ساقط نمی‌شود در نتیجه تنافی همچنان باقی است. ۲. شهید قاعده الاضطرار بسوء الاختیار ینافی الاختیار خطاباً را قبول ندارد در نتیجه خطاب همچنان باقی و تنافی نیز برقرار است.

۱۱- دو دلیل بر «اقتضاء الحرمة لبطالان العبادة» را به اختصار نوشته، نتیجه کدام دلیل اخص است؟ چرا؟ ص ۴۰۳ و ۴۰۴ - ۲ نمره

جواب:

۱. به دلیل امتناع اجتماع امر و نهی، [و تقدم دلیل نهی بر امر] نمی‌تواند امر فعلی بوده و عبادت مصداق واجب باشد در نتیجه مجزی نیست یعنی باطل است. ۲. با تعلق نهی به عبادت و حرمت آن کشف می‌شود که عبادت مبغوض مولا است و با مبغوضیت، تقرب استحاله دارد. ۳. با حرمت عبادت عقل حکم به قبح اتیان به متعلقش می‌کند زیرا مبعّد از مولا است و با قبح عمل، تقرب استحاله دارد. دلیل سوم اخص است زیرا مختص به عبادت و تنجز حرمت [یعنی علم به حرمت] و هم چنین مختص به واجب نفسی است سپس دلیل دوم اخص است زیرا مختص به عبادت و علم به حرمت است. [نوشتن دو دلیل و مقایسه آن دو کفایت می‌کند]

۱۲- تحویل قطع طریقی به قطع موضوعی در «دلیل عقلی» را تبیین کرده، یک دلیل شهید صدر (ره) بر عدم قبول آن را بنویسید. ص ۴۱۴ و

۴۱۵ - ۲ نمره

جواب: برخی مانند محقق نائینی (ره) برای امکان انفکاک حجیت از دلیل عقلی قائل شده‌اند که می‌توان قطع در دلیل عقلی را به قطع موضوعی تحویل برد به این صورت که عدم قطع عقلی قید در موضوع حکم مجعول باشد. شهید صدر (ره) این استدلال را نمی‌پذیرد و آن را با دو دلیل رد می‌کند؛ ۱. قطع عقلی به حکم که عدمش در موضوع مجعول اخذ شده است یا قطع به مجعول است که استحاله آن واضح است و یا قطع به جعل است که اگر چه استحاله ندارد ولی خلاف مفروض است زیرا مفروض این است که دلیل عقلی بر ثبوت تمام ملاک حکم قائم شده است، چطور ممکن است قید دیگری را نیز تصدیق نماید. [اگر عقل حکمی کند یا تمام ملاک را کشف کرده، که در این صورت قطع به جعل مساوی قطع به مجعول است و قید دیگری مثل عدم قطع عقلی ثابت نیست و یا تمام ملاک را کشف نکرده در این صورت ظنی است نه قطعی] ۲. قطع عقلی دائماً اثبات حکم نمی‌کند و گاهی نیز مانند «استحالة الامر بالضدین ولو علی وجه الترتب» نافی حکم است، آیا با توجه به چنین ادله عقلی باز می‌توان گفت: شارع حکم مستحیل جعل کرده است. [نوشتن یک دلیل برای جواب کفایت می‌کند]